

## #اعدام\_قتل\_عمد\_دولتی\_است

متحدتر و قویتر علیه #حکومت\_اعدام\_اعتراض\_کنیم!

میزگرد کمونیست هفتگی در باره بیانیه حزب

## "نه به فقر، فلاکت و بیکاری"

رحمان حسین زاده، آذر ماجدی، سیاوش دانشور

## مجازات اعدام

صفحه ۸

کارل مارکس

## موج دوم کرونا،

آرامش قبل از طوفان و خطر گرسنگی در جهان

صفحه ۹

جمال کمانگر

## مبارزه علیه زن ستیزی در منطقه در گرو مبارزه

علیه ایدئولوژی و جنبش اسلامی است!

صفحه ۱۰

آذر ماجدی

## کنکور، کرونا و سلامت بخش جوان جامعه

صفحه ۱۱

سیوان کریمی

اطلاعیه پایانی جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دولت را موظف کنیم!

قرنطینه باضافه تامین معیشت و نیازهای بهداشتی همگان!

۵۵۴

# مستکونی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۰ مرداد ۱۳۹۹ - ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۰

#زندانی\_سیاسی\_آزاد\_باید\_گردد

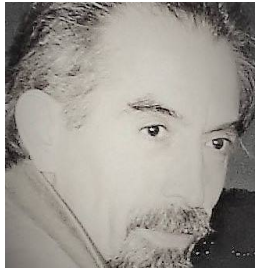
علیه اعمال فشار به زندانیان سیاسی

اخیرا در یکروز دو بار به #جعفر\_عظیم\_زاده در زندان حمله کرده اند. ایجاد دعوای ساختگی و صحنه سازی در زندان، که اساسا توسط زندانیان و با هدایت بازجویان صورت میگیرد، توسط زندانیان با جرائم عادی اجرا میشود. ما شاهد این نوع تحرکات در زندانهای مختلف بوده ایم. با #سپیده\_قلیان نیز همین رفتار به شکل دیگری صورت گرفته است. ابتدا زندانی سیاسی را با هدف انبیت و آزار به بند زندانیان عادی میفرستند، علیه زندانی سیاسی تحریک میکنند و توطئه می چینند. طرح قتل زندانیان در این صحنه سازی ها بارها اجرا شده است.

وضعیت زنان زندانی سیاسی در زندان سپیدار اهواز بسیار وخیم است. خانمها؛ ۱- مریم حمادی، ۲۸ ساله، متاهل و دارای دو فرزند ۲- زینب عفرای۳- فاطمه تونیت زاده، مادر مریم حمادی ۴- زویده عفرای، ۵۵ ساله ۵- قیسیه عفرای، ۶۰ ساله و خواهر زویده عفرای ۶- مریم زبیدی، ۵۳ ساله، متاهل و مادر ۴ فرزند ۷- مکیه نیسی، متولد ۶۴، متاهل و دارای سه فرزند ۸- معصومه سعیدای، ۴۸ ساله ۹- سوسن سعیدای، ۴۵ ساله (خواهر معصومه سعیدای) ۱۰- سکینه صگور، ۳۵ ساله دارای فرزند ۱۱- الهه درویشی، ۲۰ ساله، متاهل و دارای یک فرزند، از شهروندان

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



توانند جلوی آنرا بگیرند، لذا تلاششان اینست که حداقل امکان رعب و وحشت راه بیاندازند تا اعتراضات دامنه کمتری بگیرد و سرکوب ساده تر باشد.

مشکل اینست که نه نمایش مُضحک سیاست "مدنی چپگری و رأفت اسلامی" جوابگو است و نه سیاست "می زنیم و می مانیم". تغییر جدی در

رابطه مردم و حکومت جای زیادی برای این مانورها باقی نمیگذارد. عملی و ممکن است که معادله رابطه جامعه و حکومت، هرچه بیشتر به ضرر حاکمیت اسلامی تغییر کند. این با تداوم گسترده اعتراض به اعدام و زندان و شکنجه، یعنی هدف قرار دادن آنچه که حکومت اسلامی نقطه قدرت خویش می پندارد، با تداوم تلاش برای متوقف کردن این احکام ضد بشری و جنایتکارانه، با برافراشتن پرچم #لغو\_اعدام و #آزادی\_فوری\_کلیه\_زندانیان\_سیاسی و جنبشی قدرتمند ممکن است.

این اعمال جنایتکارانه علیه زندانیان و خانواده هایشان تنها موجب گسترش نفرت و انزجار از حکومت می شود. دوران دهه شصت سپری شده است، آنزمان یک انقلاب را بخون کشیده بودند و داشتند مستقر می شدند، امروز دوره رفتن شان است.

#لغو\_اعدام

#آزادی\_فوری\_کلیه\_زندانیان\_سیاسی

سر دبیر.

۲۹ ژوئیه ۲۰۲۰

## #زندانی\_سیاسی\_آزاد\_باید\_گردد علیه اعمال فشار به زندانیان سیاسی ...

اهوازی هستند که عمدتاً در اواخر سال ۹۷ بازداشت و زندانی شدند و پس از بازداشت مورد بازجویی و شکنجه قرار گرفته اند. هم اکنون نیز در زندان سپیدار تحت انواع فشار و محدودیت و آزار زندانبانان هستند.

به اینها باید احضارهای هفته اخیر را اضافه کرد. گزارشهای دریافتی از احضار فعالین سرشناس در جنبشهای اجتماعی، کسانی که عمدتاً در سوشیال میدیا فعالیت دارند، دانشجویان و زندانیان آزاد شده خبر میدهد. نوعی تهدید و توجیه امنیتی که "مواظب باشید"، در تجمع اعتراضی شرکت نکنید و چرخاندن شمشیر وثیقه و احکام "تعزیری" که قبلاً برای همین اهداف و عمدتاً با پرونده سازی علیه آنها صادر شده است. همه این اقدامات همراه و بموازات اجرای احکام اعدام سریع زندانیان عادی و تهدید به اعدام زندانیان دیمه ۹۶ و آبانماه ۹۸ انجام میشود.

حکومتهای در حال بحران که با تهدید سرنگونی مواجه اند، ماشین سرکوب را فعالتر میکنند، اذیت و آزار زندانیان سیاسی و تحت فشار قرار فعالین جنبش های اجتماعی در جامعه را افزایش میدهند. کسانی که خود تجربه دست اول زندان را دارند این واقعیت را خوب می شناسند. هدف این سیاستها ارباب جامعه و گستراندن چتر اختناق است، تلاشی بیهوده برای بقا، سیاستی نخ نما و تکراری که میتواند با قدرت اتحاد و اعتراض بسادگی درهم شکسته شود. تحلیل امنیتی حکومتی ها اینست که موج اعتراضات پشت در است، میدانند که نمی

## بار آوری کار و بیکاری

بهبود تکنیک و افزایش بار آوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هرچه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتاً به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفاً کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و بیکار سازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره ای از بیکاران، که اساساً به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعلامیه حزب حکمتیست

**#اعدام\_قتل\_عمد\_دولتی\_است****متحدثر و قویتر علیه #حکومت\_اعدام\_اعتراض کنیم!**

جمهوری اسلامی زیر فشار اعتراض گسترده داخلی و بین المللی ناچار شد احکام اعدام صادر شده برای زندانیان دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ را "تکذیب" کند. زیر فشار جامعه نمایی از تائید و تکذیب راه انداخته اند. مثلا دادگستری اصفهان طی اطلاعیه ای از یکسو در مقابل موج اعتراض قدرتمند جامعه عقب می نشیند و حکم اعدام هشت زندانی را تائید اما "حکم اجرای احکام اعدام" را تکذیب میکند.

همینطور دیوان عالی کشور، احکام اعدام صادر شده شعبه دو دادگاه انقلاب اصفهان برای ۱- مهدی صالحی قلعه شاهرخی ۲- محمد بسطامی ۳- مجید نظری کندی ۴- هادی کیانی ۵- عباس محمدی، پنج نفر از بازداشت شدگان در جریان اعتراضات گسترده دیماه ۹۶ را تائید کرده است.

خیزش مردم برای سرنگونی رژیم آنچنان هراسی به قلب این جانیان بالفطره انداخته است که برای حفظ حیات منحوس شان بی محابا دست به کشتار مردم زده اند. کشتار بیش از ۱۵۰۰ نفر در خیابان ها و زیر شکنجه کفایت نکرده است و اکنون طناب دار را بالای سر جوانان از شکنجه جان سالم بدر برده گرفته اند. تحت فشار اعتراضات وسیع جهانی علیه احکام اعدام سه تن از زندانیان اعتراضات آبانماه، عقب نشستند و اعلام کرد که این احکام تائید نشده است. ۸ نفر را در اصفهان به اعدام محکوم کرده اند و تاکنون چند بار این احکام را پس گرفته و دوباره تائید کرده اند. اینها جانیان روانی هستند؛ می کشند و با روان انسان ها بازی می کنند. حکم می دهند؛ پس می گیرند؛ دوباره تائید می کنند؛ زیر فشار حاشا می کنند و دوباره تائید می کنند فقط یک مشت جانی روانی می توانند اینگونه با جان و احساس مردم بازی کنند. این تلاش های مذبحخانه برای ارزیابی واکنش مردم است. قصد دارند این بازی را آنقدر ادامه دهند تا مردم خسته شوند و از اعتراض دست بردارند. بی تفاوت شوند و آنگاه جنایتی را که برایش روزشماری می کنند اجرا کنند.



این رژیم فقط با زبان زور آشناست. باید تحت فشارش قرار داد. باید متحدثر و قویتر اعتراض علیه اعدام را ادامه دهیم. باید در مقابل ماشین جنایات و سرکوب ایستادگی و آنرا فلج کرد. راه دیگری باقی نمانده است. نباید اجازه دهیم که این جوانان را اعدام کنند. باید سلاح اعدام را از دست این جانیان بدر آوریم. باید خلع سلاح شان کنیم و ماشین اعدام را درهم بکوبیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست این احکام جنایتکارانه را قاطعانه محکوم می کند و کارگران و مردم دردمند و بجان آمده را فرامیخواند که برای نجات این جوانان گسترده تر به میدان بیایند و متحدانه به احکام اعدام اعتراض کنند. باید این رژیم را به زیر بکشیم و یکبار برای همیشه اعدام، این **#قتل\_عمد\_دولتی** را ملغی کنیم.

**#اعدام\_قتل\_عمد\_دولتی\_است**  
**#حکومت\_اعدام**

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

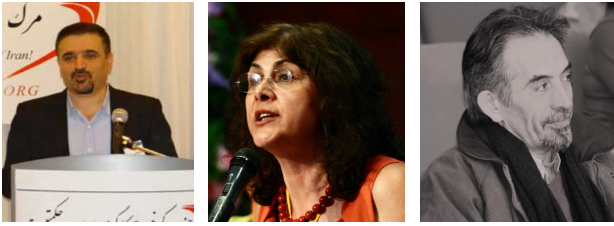
۸ مرداد ۱۳۹۹ - ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۰

**زنده باد شوراها!****ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را****برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!**

میزگرد کمونیسست هفتگی در باره بیانیه حزب

## "نه به فقر، فلاکت و بیکاری"

با هیئت اجرایی حزب



حال حاضر و روزها و ماههای آتی است.

**کمونیسست هفتگی:** سرمایه داری بطور کلی چه نقشی در وضع موجود و فقر وسیع دارد، جمهوری اسلامی چطور؟ تفاوت و تشابه کدامند؟

**آثر ماجدی:** یک خصلت پایه ای نظام سرمایه داری، حتی در دوره شکوفایی، ایجاد فقر در یک قطب جامعه و تلمبار شدن ثروت در قطب دیگر برای یک اقلیت ناچیز است. در دوره بحران میزان فقر بمراتب گسترده تر می شود. بعلاوه، در جوامعی مانند ایران که سرمایه داری بر کار ارزان متکی است ابعاد فقر تشدید می شود؛ فقر یک وجه برجسته چنین جوامعی است. در جامعه ایران فاکتورهای دیگری نیز عمل می کند؛ نظام سرمایه داری تحت جمهوری اسلامی هیچگاه در سرمایه داری جهانی انگره نشد و لذا همواره با بحران دست و پنجه نرم کرده است و این مساله موجب رشد فزاینده فقر در جامعه بوده است.

فاکتور سیاسی و شرایط مبارزه طبقاتی نیز در تشدید فقر نقش بازی می کند. تحت یک دیکتاتوری خشن طبقه کارگر برای بهبود شرایط کار و زیست با مشکلات جدی روبرو است. مبارزه برای دریافت همان حقوق ناچیز نیز با سرکوب و اسارت مواجه می شود. و بالاخره وجود یک حکومت سرتاپا مافیایی، فاسد و دزد که شرایط را برای اختلاس وسیع طبقه حاکم مهیا می کند ابعاد فقر صد چندان می شود.

این شرایط حاکم در ایران است. یک بحران دائمی که در دهه اخیر بمراتب تعمیق شده است و افزایش و گسترش اختلاس کاربدستان ریز و درشت عملاً سفره بخش وسیعی از مردم را خالی کرده است. طبق آمارهای خود دولت حدود ۷۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می کنند و ۴۰ درصد در فقر مطلق بسر می برند. ابعاد فقر در ایران هولناک است. گرسنگی و بی خانمانی به سرنوشت میلیون ها انسان بدل شده است. ما با پدیده هایی چون گور خوابی، زندگی در تونل های زیر زمینی سوراخ موش مانند، پشت بام خوابی و زباله گردی روبرو هستیم؛ اینها پدیده هایی منحصر بفرد و حاشیه ای نیستند؛ در تمام شهرها از کوچک و بزرگ بوفور مشاهده می شود. کار کودکان بسیار گسترده است؛ عدم برخورداری از ابتدائیات بهداشتی و حقوق شهروندی مانند آب تصفیه شده، دسترسی به بهداشت و درمان حتی در شهرهای بزرگ و از نظر اقتصادی فعال گسترده است.

گسترش اعتیاد که یکی از عوارض جانبی جوامع خشن و بحران زده است، در ایران بیداد می کند. ماهیت گانگستری حکومت ابعاد این فاجعه را گسترش داده است. حکومت و سپاه پاسداران عملاً در کشت و قاچاق مواد مخدر دست دارند و ثروت نجومی از این تجارت سیاه بدست آورده اند. فحشاء حتی کودکان را در امان نگذاشته است. در یک کلام میزان فقر در جامعه ایران انسان را بیاد کتاب های چارلز دیکنز

**کمونیسست هفتگی:** بیانیه اخیر حزب با عنوان "نه به فقر، فلاکت و بیکاری" چه میگوید و به چه سوالی پاسخ میدهد؟

**رحمان حسین زاده:** بیانیه با این مشاهده تلخ و واقعی شروع میکند که "سونامی فقر و فلاکت و بیکاری همراه با استبداد و سرکوب و فجایع اجتماعی ناشی از آن، زندگی طبقه کارگر و اکثریت عظیم شهروندان جامعه ایران را به لبه پرتگاه کشانده است. میلیونها بیکار و بی مسکن، کارتن خواب و گور خواب و کودکان کار، زندگی زیر خط فقر بیش از نیمی از جمعیت ایران که فاقد بیمه های اجتماعی و درمانی و محروم از کمترین امکانات سلامت و بهداشت و پزشکی هستند، تصویر اولیه از موقعیت تکان دهنده زندگی اکثریت عظیم شهروندان جامعه ایران است. کاپیتالیسم عمیقاً بحران زده ایران و اقتصاد در حال فروپاشی جمهوری اسلامی سرمنشاء این تراژدی است که با پیدایش و گسترش ویروس کرونا، شرایط فاجعه بارتر و غیر قابل تحمل تر شده است. بر بطن موج جدید بحران اقتصادی سرمایه داری جهانی سال ۲۰۲۰ و ادامه مصیبت بار پاندمی کرونا، گسترش فقر شدید، فلاکت و بیکاری انبوه از پیامدهای نگران کننده آن است. مرگ و نیستی در ابعاد میلیونی انسانها و جامعه را تهدید میکند".

حزب ما و بیانیه ما از یک فاجعه بزرگ اجتماعی و از مخاطرات تکان دهنده ای که نفس حیات و مساله زنده ماندن و یا نماندن را در مقابل ده ها میلیون شهروندان جامعه قرار داده، صحبت میکند و میگوید. اما جوهر اصلی هشدار بیانیه ما صرفاً گفتن و بیان این مشاهده نیست، سؤال کلیدی، چگونگی راه مقابله طبقه کارگر و همه مردم تحت فشار با این تراژدی اجتماعی است. سؤالی که باید پاسخ داده شود، اینست چگونه جمعی و متحدانه راه مقابله و مبارزه با این فاجعه بزرگ را اتخاذ میکنیم. ما با جریانها و کسانی که بگویند، راهی نیست و به ویژه مصیبت کرونا را بهانه کنند و بگویند راه مقابله موثری نیست، صحبتی نداریم. فراخوان ما به جامعه ایست که نمیتواند خودکشی کند، به طبقه ایست و به مردمی است که نمیتوانند به تباہ شدن جمعی زندگی و به این وضع تمکین کنند و نکرده اند، بلکه مجبورند در دفاع زندگی خود و فرزندان و هموعان خود بایستند و با سرمنشاء و بانی "فقر، فلاکت و بیکاری" مقابله کنند. نظم وارونه سرمایه و سکانداران جنایتکارش و ایدئولوگها و مبلغین نان به نرخ روز خورش میخواهند پیدایش و گسترش پاندمی کرونا را به دستاویزی برای شانه خالی کردن از زیر بار فجایع به بار آمده تبدیل کنند. بیشترم تر از همه ویروس جمهوری اسلامی، میخواهد، فقر و فلاکت و بیکاری تلمبار شده ناشی از حاکمیت چهل ساله اش را با شیوع ویروس کرونا توجیه و پرده پوشی کند. بیانیه ما میگوید، بانیان تشدید خطرناک "فقر و فلاکت و بیکاری" را میشناسیم و گسترش جنبش مبارزاتی خود آگاه، سازمانیافته و متحد در ابعاد جامعه در مقابلش میرمیت دارد. این پیام و گفته اصلی بیانیه حزب ما علیه فقر و فلاکت و بیکاری تهدید کننده زندگی میلیونها انسان در



فائق می آید و نظام سرمایه‌داری را با کلیه تضادها و تناقضاتش به گور می سپارد و بر ویرانه‌های آن نظامی برتر و دنیائی بهتر می سازد، یا شکست میخورد و بورژوازی دوره انقلابی را پشت سر می گذارد، سرمایه داری را بازسازی میکند و دوره جدیدی از انباشت سرمایه را با سرکوب قاطع طبقه کارگر و پائین آوردن بازهم بیشتر سطح معیشت کارگران رقم می زند.

ما می خواهیم با جمهوری اسلامی و حاکمیت و دولت سرمایه در ایران تعیین تکلیف کنیم. این از مسائل پایه ای و استراتژیک کمونیسیم کارگری و جنبش طبقه کارگر در ایران است. این مسئله پایه ای تا تعیین تکلیف بحران و سرنوشت قدرت سیاسی و دولت آتی در ایران، و عبارتی دیگر از باز شدن فرجه برای دخالت وسیع در جامعه تا پایان دوره انقلابی، تغییر نمی کند و بجای خود محفوظ است. تمام مسئله اینست که این مسائل پایه ای برای کمونیسیم و طبقه ما، در قلمرو سیاست و جامعه و در دوره حاد شدن کشمکش طبقاتی، بلاواسطه خود را بیان نمی کنند بلکه در گره گاهها و سوالاتی که جامعه حول آنها قطبی شده، در جایی که نبرد طبقات و جنبشهای سیاسی و حزبی حول آن صف آرایی کرده اند، بنا بر مشخصات و داده های مادی و کنکرت در آن لحظه خاص نمود و تبلور پیدا میکنند. جنگ و کشمکش طبقاتی، همواره در جبهه های مشخص تری پیش میرود و قلمروهای این نبرد در هر دوره می تواند مختلف باشد. در این قلمرو، یعنی مبارزه با فقر و فلاکت اقتصادی و برای آزادی و برابری و رفاه، کل بورژوازی ایران از حکومتی تا اپوزیسیونی، علیرغم تفاوتها، در یک سنگر قرار دارند و سیاست تداوم و تعمیق و یا قابل تحمل کردن وضع موجود را دارند. کمونیسیم کارگری و حکمتیسم همراه با جنبش رادیکال و سوسیالیست طبقه کارگر، جنبشی برای الغای این وضع فلاکتبار و برپائی دنیائی نوین است. ما از جبهه های اصلی نبرد طبقاتی و سوالات اساسی جامعه و سطح مبارزه جاری حرکت می کنیم، آنرا ارتقا می دهیم و الزامات پیروزی اهداف استراتژیک طبقاتی و کمونیستی مان را دنبال می کنیم.

**کمونیسیت هفتگی:** بیانیه از به میدان کشیدن جنبش سازمانیافته علیه فقر و فلاکت و بیکاری سخن گفته است. این دقیقاً یعنی چه و چه مسائلی را فوراً و بلافصل در دستور میگذارد؟ چه کسانی باید چه کاری بکنند؟

**رحمان حسین زاده:** لازم به گفتن نیست که جمهوری اسلامی رنج و مشقات پرده‌مانه ای در همه شئون زندگی، در اقتصاد و معیشت و فرهنگ و تحصیل و سیاست، در محل کار و زندگی به جامعه ایران تحمیل کرده است. به علاوه در طول عمر جمهوری اسلامی مقاومت و مبارزه جاری بوده است. بر این اساس همانطور که بیانیه حزب تاکید کرده، عرصه های مبارزات جاری علیه وضع موجود، علیه تعرض معیشتی، اقتصادی و سیاسی حاکمیت جمهوری اسلامی متنوع است. طبقه کارگر و مردم تحت فشار به طور مستمر، در جبهه های متعدد مبارزه اجتماعی و طبقاتی از جمله علیه فقر و دستمزدهای ناچیز و معوقه، علیه بیکاری میلیونی و بیکارسازیهای گسترده این دوره، علیه تعرض به حقوق پایه و گرانی و نبودن امکانات سلامتی و پزشکی و بهداشتی، علیه آپارتاید جنسی و حجاب و پوشش و قوانین عصر حجری اسلامی، علیه بازداشت و سرکوب و اعدام و تهدید و بگیر و ببند و اختناق و علیه بسیاری از تضییقات روزمره و کلیت جمهوری اسلامی در جریان است. طبعا هر عرصه مبارزه و هر تک اعتراض و تظاهرات و اعتصاب و تقابل با وضع موجود و جمهوری

## میزگرد کمونیسیت هفتگی در باره بیانیه حزب

### "نه به فقر، فلاکت و بیکاری"

#### با هیئت اجرایی حزب ...

در اوایل دوران عروج سرمایه داری می اندازد. شایع شدن یک ویروس کشنده نیز ابعاد کلیه این فجایع را گسترش داده است.

**کمونیسیت هفتگی:** بیانیه حزب فقر و فلاکت اقتصادی را یک قلمرو مهم نبرد طبقاتی میدانند. منظور چیست؟ دلیل تان برای این ادعا چیست؟

**سیاوش دانشور:** وقتی میگوئیم "فقر و فلاکت اقتصادی یک قلمرو مهم یا یکی از جبهه های مهم نبرد طبقاتی است"، داریم راجع به سوال یا سوالاتی که در شرایط کنونی کل کشمکش طبقاتی و جنبش طبقه ما با آن روبرو است حرف میزنیم. بطور کلی مسائل و سوالات مبرم مبارزه طبقاتی، سوالات و مسائلی هستند که در هر مقطع مشخص، تناقضات زیربنایی جامعه و منافع و نگرش حرکت طبقات متخاصم جامعه را به حادترین شکل در خود منعکس میکنند. فقر و فلاکت اقتصادی یک واقعیت زشت و زمخت و گسترده و غیرقابل انکار است که بورژوازی ایران و حکومت اسلامی به دهها میلیون کارگر و زحمتکش تحمیل کرده است. این سوال از واقعیات جان سخت و بنیادی اقتصاد سیاسی سربر می کند و فی الحال به تاریخی از مبارزه و درجه ای از خودآگاهی سیاسی در جنبش طبقه ما متکی است. ما از قلمرو و سوالاتی حرف میزنیم که جامعه و سیاست را حول خود قطبی میکند و بناچار کشمکش جنبشهای طبقاتی متمایز و احزاب سیاسی شان حول آن اوج می گیرد.

مبارزه و کشمکش طبقاتی، که از یکسو دارای جامعیت است و در تمام منافذ و قلمروهای متنوع جامعه بدرجات مختلف جریان دارد و از سوی دیگر کل این مبارزه موتور محرکه جامعه و تاریخ است، امری بطور کلی نیست بلکه در دوره های بحرانی یا جامعه ابستن تحول، روی گره گاهها و مسائل خاصی کانونی میشود. نفس یک مبارزه طبقاتی جاری، زنده، بیوقفه فرض ماست. نگاه به جامعه و تاریخ و تبیین سیاست و تاکتیک از دریچه منافع و اهداف اجتماعی جنبش طبقه کارگر در این کشمکش، فرض و نقطه شروع ماست. با این مفروضات ما داریم راجع به یک مسئله مبرم مبارزه طبقاتی در مقطع کنونی حرف میزنیم. مسئله ای که خود بازتاب درجه ای از رشد کشمکش طبقاتی در حال حاضر است و به سهم خود کل مبارزه طبقات متخاصم را حول خود قطبی و به پیش می راند. شیوه برخورد به این سوال همینطور معیار تشخیص مهمی برای تفکیک طبقاتی نیروهای سیاسی مختلف است.

مبارزه برای سرنوشت جمهوری اسلامی نیز بطور کلی صورت نمی گیرد. این درست است که همه نیروهای خواهان سرنوشتی، چه چپ و چه راست، در سرنوشتی ذینفعند، اما طبقات متمایز و متخاصم هرکدامشان روند سرنوشتی را تنها پله ای برای تثبیت موقعیت خویش و تعیین تکلیف نهائی قدرت سیاسی و مسئله دولت قرار داده اند. لذا با پروژه های مختلف وارد ایندوره می شوند. کمونیسیم کارگری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در تحولات پیش رو، با علم به راه پر پیچ و خمی که باید طی کند، در تحلیل نهایی یا بر این نظام بحراندیده و پوسیده

## میزگرد کمونیست هفتگی در باره بیانیه حزب

## "نه به فقر، فلاکت و بیکاری"

## با هیئت اجرایی حزب ...

اسلامی با ارزشند. اما بیانیه حزب ما میگوید کافی نیست و باید فراتر رفت. درست تر بگویم اگر چه عرصه ها و صحنه های متنوع مبارزه کنونی پاسخ مشخص و ضروری کارگران و مردم به معضلات مشخصی است که در هر کارخانه و مرکز کار و محله و شهر و دانشگاه و ... با آن روبرویند و برحقند و باید همین کار را کرد. اما باید بدانیم، این سطح از مبارزه جاری ظرفیت مقابله کارساز با فاجعه تخریب گر "فقر و فلاکت و بیکاری" را ندارد. در نتیجه صف بندی موثرتر و متحدتر و گسترده تر لازمست. آنطور که بیانیه تاکید میکند به میدان کشیدن یک جنبش قدرتمند گسترده و سراسری با شعار سلبی و محوری "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" و با خواست "حرمت، معیشت و سلامت" لازمست.

ضرورت و ظرفیت سازماندهی چنین جنبشی موجود است. ببینید فصل مشترک مبارزات جاری کارگری و توده ای ایستادگی در مقابل تحمیل جنبه ها و گوشه هایی از مشکلات و معضلاتی است که خود محصول روند اساسی تر ایجاد و تحمیل فقر و فلاکت و گرسنگی و گرانی و تبعیض و بیکاری اند. به همین پدیده دستمزدهای معوقه، دستمزد زیر خط فقر، بیکارسازیها، ناامنی شغلی، گرانی روز افزون، تورم و ... نگاه کنید، اینها عوارض روند فقر و فلاکت و بیکاری در حال جریان است. لذا اکنون وقت آن است همه این بخشهای مختلف مبارزه، آگاهانه و مبتکرانه و سازمانیافته و همگام، به جنبش درهم تنیده علیه فقر و فلاکت و بیکاری شکل دهیم. طبعاً در تناسب قوای نامساعد کنونی کار ساده ای نیست و موانع زیادند و باید از سر راه برداشته شوند. میرسید چه نیرو و جریان و کسانی، قادر به انجام اینکار هستند؟ قبل از همه نیروی فعاله و ستون فقرات شکل دادن به چنین جنبش و صف بندی مبارزاتی، جنبش طبقه کارگر است. در سطح مشخص تر رهبران و پیشروان آگاه جنبش کارگری و کمونیستهای طبقه کارگر با ابتکار و خلاقیت و همگامی و با اتکا به پلاتفرم روشن، سازماندهی و رهبری مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" را میتوانند و باید تضمین کنند. به علاوه چنین جنبش و مبارزه ای به تشکل توده ای موثر باید متکی شود. به این دلیل بیانیه ما بر ایجاد شوراهای در مراکز کار و محلات تاکید گذاشته است. ایجاد شوراهای در هر مرکز کار و رشته کارگری و هر محله و شهر، ابزار و پایه اصلی متشکل شدن و قدرتمند شدن مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" است. خلاصه کلام، لازمست رهبران و فعالین کمونیست جنبش طبقه کارگر و اردوی انقلابی در هر جا که هستند، در مراکز کار و رشته های کارگری، در محلات، در مراکز آموزشی و دانشگاهها و میان نسل جوان محروم از کار و معیشت و توده عظیم بیکاران پاپیش بگذارند و رسالت سازماندهی جنبش علیه فقر و فلاکت و بیکاری را با برافروختن پلاتفرم و خواست روشن و متکی به مجامع عمومی و شوراهای محل کار و محله و علیه بیکاری و در دانشگاه و مراکز آموزشی و ... به دست بگیرند.

کمونیست هفتگی: جنبش علیه فقر و فلاکت با جنبش برای سرنگونی چه رابطه ای دارد؟ یا چطور باید مرتبط باشد؟ نظر به اعتراض وسیع جامعه علیه فقر و فلاکت موجود اصولاً ایندو قابل تفکیک هست؟

آنر ماجدی: جامعه ایران اکنون بیش از دو دهه است که به جدال برای سرنگونی رژیم وارد شده است. جنبش سرنگونی هر از چند گاهی بمیدان می آید و بدنبال سرکوب خشن حکومت برای دوره ای آرام می شود. این بار جنبش سرنگونی دو سال و نیم است که می جوشد و تحرکات خشن و سرکوبگرانه رژیم قادر به خفه کردن آن نشده است. مردم از جمهوری اسلامی بیزارند و خواهان سرنگونی آن.

روشن است که یکی از خواست های پایه ای مردم رفاه است. مبارزه علیه فقر در جامعه ایران سریعاً به مبارزه ای علیه کلیت رژیم بدل می شود. در بالا اشاره کردیم که مبارزه برای افزایش دستمزد و یا دریافت حقوق معوقه با یورش خشن رژیم مواجه می شود و لذا سریعاً به یک مبارزه رو در رو با رژیم بدل می شود. باین ترتیب حتی اگر کارگران قصد سرنگونی رژیم را نداشته باشند، در این مواجهه به این حقیقت دست می یابند که برای ذره ای بهبود در زندگی شان باید این رژیم را به زیر کشند.

طی دو سال و نیم اخیر این مواجهه بسیار صریح تر، روشن تر و علنی تر گشته است. دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ دو نقطه اوج این جنبش سرنگونی طلبانه بود که مبارزه علیه فقر و برای رفاه بعنوان یکی از مطالبات اصلی در آن بیان می شد. اکنون بر مردم روشن شده است که تا جمهوری اسلامی در قدرت است فقر و فلاکت و گرسنگی سایه سیاه خود را بر فراز جامعه حفظ خواهد کرد. مردم کاملاً واقفند که برای هر گونه بهبودی هر چند ناچیز باید این رژیم را به زیر کشند.

مبارزه برای رفاه در کل دنیا بناچار باید به مبارزه علیه سرمایه داری و سرنگونی نظام سرمایه داری بدل شود. در ایران این مبارزه در قدم اول با سرنگونی جمهوری اسلامی می تواند به هدف نزدیک گردد. مبارزه برای سرنگونی سرمایه داری شرط لازم دستیابی به جامعه ای است که رفاه همگانی را تامین می کند. طبقه کارگر در ایران آگاه است که برای دستیابی به یک جامعه مرفه و آزاد باید جمهوری اسلامی و سرمایه داری را به زیر کشند.

کمونیست هفتگی: سازماندهی شوراهای یک وجه دیگر و راه حل سازمانگرانه بیانیه است. تصویرتان از سازماندهی جنبش شورایی چیست؟ کجای کار هستیم و چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

سیاوش دانشور: برای سازماندهی جنبش شورایی ما از صفر شروع نمی کنیم. جامعه و طبقات و جنبش های سیاسی، همواره با سنتهای مبارزاتی جاافتاده در سیاست دخالت میکنند. سنت مبارزاتی اعمال اراده مستقیم کارگری و توده ای، جنبش شورایی، در جنبش بین المللی کارگری و در تجارب طبقه و مبارزه کمونیستی وجود داشته، سنتی ریشه دار است، تاریخ و روشهای خودش را داشته است و بویژه میان گرایش رادیکال کارگری و کارگران کمونیست قوی بوده است. مضافاً اینکه جامعه بسرعت وارد دوره پر تحول و داغی میشود، نیاز عینی و مادی به دست بردن به سنت مبارزه رادیکال و روشها و چهارچوبهای سازمانگری که ابزار وجود سیاسی وسیع و مستقیم و

## میزگرد کمونیست هفتگی در باره بیانیه حزب

## "نه به فقر، فلاکت و بیکاری"

## با هیئت اجرائی حزب ...

فعالین به جوانب دیگری از جمله ایجاد آمادگی، هماهنگی، برگزاری مجامع عمومی و غیره را میتوانند پیش ببرند و در این زمینه تجربه وجود دارد. یک وجه دیگر ترکیب محل کار و محلات از طریق بخشهای در دسترس تر طبقه مانند بازنشستگان و بیکاران و شاغلین است. در هر خانواده حتما جوان بیکاری، دانشجویی، شاغلی و بازنشسته ای کم و بیش وجود دارد. شورا در محل زیست سازمان بازنشستگان و بیکاران و شاغلین و خانواده کارگری است. حرکت بیکاران و بازنشستگان را با حرکت در کارخانه پیوند میزند و تن واحدی میکند. درد مشترک طبقه و اکثریت جامعه در قالب شوراها متجلی میشود و هماهنگی سیاسی و سازمانی و سبک کاری و مبارزاتی را بسهولت ایجاد میکند.

در حال حاضر تجارب بعد از دیماه ۹۶ از یکسو و بن بست روشهای پیشین برای تشکل کارگری، مطلوبیت مجمع عمومی را صد چندان کرده است و سنت مبارزه شورائی بیش از هر زمان مقبولیت دارد. همینطور شورا و "اداره شورائی" بعنوان یک افق زنده در ذهنیت جامعه و طبقه کارگر حضور دارد. از همین سطح موجود باید شروع کنیم و ارتقا دهیم و تحکیم کنیم و جلو برویم. جای ابتکار و تلاشهای متنوع در این مسیر باید باز باشد. مثلا در جاهانی محافل کارگری تلاشهایی برای ایجاد شورا از طریق مجمع عمومی در مراکز کار یا محلات مختلفی دارند، میتواند حاصل آن یک شورای منطقه ای باشد. در کارخانجات با شرایط مختلف میتوان جلوتر بود یا از مرحله اول شروع کرد. امروز میان بخشهای مختلف مانند بازنشستگان و بیکاران موانع محل کار وجود ندارد و میتوان بلافاصله مجمع عمومی برگزار کرد و شورا را در سطوح مختلفی ایجاد کرد.

و بالاخره این نکته را باید تاکید کرد که تعلق به جنبش شورائی- کارگری یک رکن هویتی کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست است. طرفداران شورا بسیار از ما فراتر میروند و تلقی های مختلف از شورا در طول قرن بیستم بویژه میان گرایشهای کمونیستی و آنارشستی و آنتی بورکراتیک وجود داشته است. شورا و جنبش شورائی صرفا امری مربوط به تشکل کارگری و کارکنان نیست، شورا را تقلیل دادن به یک نمود آن در کارخانه و محله تقلیل گرایانه است. این گرایشی قدیمی و ریشه دار در جنبش بین المللی طبقه کارگر است و تاریخ مکتوب و تجارت کنکرتی در دوره های مختلف از کمون پاریس و انقلاب اکتبر تا انقلابات اروپا و انقلاب ایران دارد. شورا یک سنت مبارزاتی و یک افق جاافتاده در درون طبقه کارگر و بویژه گرایش رادیکال و کارگران کمونیست است.

شورا بعنوان سازمان اعمال اراده توده ای امروز در هر محله و شهر و منطقه و کارخانه ابزار بسیج و دخالت توده ای کارگر و مردم زحمتکش و آزادیخواه است. شوراها با حاد شدن کشمکش طبقاتی از ارگانهای قیام توده ای و اعمال حاکمیت اند. شوراها آلترناتیو سیاسی- اداری نظام سوسیالیستی و حکومت کارگری اند، ارگانهای حاکمیت توده ای مستقیم و مستمر در مقابل نهاد بورژوائی و الیئستی پارلمان و اشکال دموکراسی نیابتی در سیستم سیاسی بورژوازی اند.

۳۰ ژوئیه ۲۰۲۰

\*\*\*

مستمر را ممکن سازد، هر روز بیشتر حس می شود. مهمتر این نکته است که سنت شورائی در حال حاضر جاری است، فعالین و سخنگویان و نمایندگانش را دارد، در هر مبارزه و اعتصاب کارگری در شکل مجمع عمومی حاضر است. مجمع عمومی رکن اساسی شورا و سنت مبارزه شورائی است. ما برای مبارزه علیه فقر و فلاکت و بیکاری روش سازمانیابی شورا را پیشنهاد میکنیم چون باید دهها میلیون قربانی فقر و فلاکت بمیدان بیابند و بسرعت می آیند، باید سازمان یابند، باید در سرنوشت شان دخالت کنند، باید نیرویشان را بهم گره زنند و علیه وضع موجود اعتراض کنند. بدون دخالت این ارتش وسیع در جنگ علیه فقر و بیکاری حتی خراشی به وضع موجود هم نمی خورد.

این نیروی وسیع اجتماعی سازمان مناسب مبارزه توده ای و خط و سیاست و شعار و تاکتیک میخواهد، ابتکار و تنوع و گستردگی میخواهد، و همه اینها و بسیاری مسائل دیگر تنها زمانی عملی می شود که این نیرو راسا در سیاست دخالت کند. تاریخا و در تجربه مبارزه طبقاتی برای دخالت توده عظیم اهالی در سیاست، روش دیگری جز سازماندهی شورائی و سنت اعمال اراده مستقیم توده ای وجود نداشته است. شورا قدرت از پائین است که قدرت از بالا را بمصاف می طلبد. شورا ظرف مبارزه و ابتکار برای منافع جمعی و تامین وسیعترین وحدت طبقاتی است که قدرت تشکل طبقه کارگر را معنی و مادی میکند. شورا متکی به مجمع عمومی در سطوح مختلف است. در مجمع عمومی کارگر و انسان زحمتکش دیگر در موقعیت برده مزد با اراده سرمایه دار نیست، بلکه در موقعیت انسان دخیل در سرنوشت خویش است که آگاهانه برای تغییر وضع کنونی تلاش می کند، مسئولیت می پذیرد، آموزش می بیند و آموزش می دهد و حرکت می کند. کارگران و مردم منکوب شده در شوراها حاکمیت را تمرین و آزادی از سلطه قدرت مافوق را تجربه می کنند.

از نظر عملی سازماندهی شورائی سطوح مختلفی دارد. در کارخانه ها، محلات، مراکز کار میتواند تنوع و انعطاف داشته باشد. اما اصول اساسی حاکم بر این سنت دخالت مستقیم و مستمر کسانی است که امر و منافع مشترک دارند. در کارخانه ها و مراکز کار در شرایط کنونی برگزاری مجامع عمومی بویژه در اعتصاب و مبارزه رایج است. برگزاری مجمع عمومی را باید به جنبش مجمع عمومی ارتقا داد و زیرساخت و پایه اصلی سازمانهای شورائی را ایجاد کرد. مجامع عمومی کارخانه و مراکز صنعتی و کار میتوانند در هر وقت مناسب خود را بعنوان شورای محل کار اعلام کنند. شوراها پایه حاصل مجمع عمومی و جنبش مجمع عمومی اند. در مرحله بعد مفصل بندی شوراها و سطوح دیگر شوراهای منطقه ای و شهری و سراسری مطرح است. پیوستن و وصل شدن تشکلهای دیگر به جنبش شورائی مطرح است. اینها مشکلات اساسی نیستند، مسئله کنونی راه افتادن این حرکت در قالبی متعین و با سنت شورائی و متکی به مجمع عمومی است. واضح است فعالین این حرکت همواره در قالبهای محدودتر شبکه های

## مجازات اعدام

کارل مارکس

روزنامه تایمز مورخ ۲۵ ژانویه [۱۸۵۳] در مقاله ای تحت عنوان "حلق آویز شدن افراد معمولی" به نکات زیر اشاره دارد:

"غالبا باور بر این است که در این کشور، در پی اعدامهایی که در انظار مردم انجام میگردد؛ بلافاصله شاهد مرگهایی هستیم که در اثر حلق آویز شدن، خودکشی یا تصادف، تداوم مییابد. این وقایع نتیجه تاثیر بسیار قوی اعدام یک جنایتکار معروف بر روی اذهان بیمارگونه یا رشد نیافته است." روزنامه تایمز، سپس موارد متعددی را برمی شمارد و مدعی است که این موارد نمایانگر موضوع فوق است. از جمله است نمونه ای در "شفیلد" که طی آن دیوانه ای پیر در یک بگومگو با افرادی چون خودش در مورد بدار آویختن فردی بنام "باربور" با حلق آویز کردن خود به زندگیش خاتمه میبخشد. مورد دیگر مربوط به یک پسر بچه ۱۴ ساله است که خود را حلق آویز کرد.

پرسیدنی است که بر شمردن این موارد، در خدمت حمایت از چه آیینی است؟ چیزی که هیچ آدم معمولی نمیتواند آنرا حدس بزند، زیرا این شیوه برخورد چیزی نیست مگر گونه ای تمجید باز گذاشتن دست جلد، زیرا اینجا حکم اعدام بمثابه خرد غایی جامعه ستایش شده است؛ آنهم در مقاله ای اساسی در "مهمترین روزنامه کشور".

روزنامه مورنینگ ادورتایزر، جانبداری از چوبه دار و منطق خونبار تایمز را بشدت و بحق مورد نقد قرار میدهد. همین روزنامه داده های مورد توجه زیر را برای ۴۳ روز از سال ۱۸۴۹ ارائه میدهد (مورنینگ ادورتایزر مورخ ۲۶ ژانویه ۱۸۵۳).

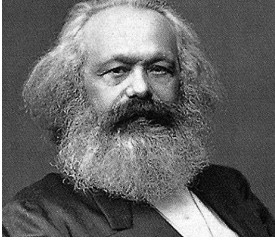
### تاریخ و نام اعدام شدگان

#### قتل و خودکشی

میلان، ۲۰ مارس	هانا ساندلس، ۲۲ مارس
پولی، ۲۰ مارس	ام. ج. نیوتون، ۲۲ مارس
اسمیت، ۲۷ مارس	ج. ک. گلیسون، ۴ قتل در لیورپول،
هاو، ۳۱ مارس	قتل و خودکشی در لستر، ۲ آوریل
لندیک، ۹ آوریل	قتل بر اثر مسمومیت، ۷ آوریل
سارا تامس، ۱۳ آوریل	ج. ج. وارد مادر خود را میکشد، ۱۳ آوریل
	باکسی قتل والدین، ۱۴ آوریل
	باردلی، ۱۴ آوریل
	بیلی ۲ فرزند خود را بقتل میرساند و خودکشی میکند
ج. راش، ۲۱ آوریل	چارلز اورتون، ۱۸ آوریل
ج. گریفیت، ۱۸ آوریل	دانیل هولمزدی، ۲ می

جدول فوق همانطور که روزنامه تایمز نیز بدان اذعان دارد، نه تنها تعداد خودکشیها، بلکه تعداد قتلهای بسیار سخفی را که متعاقب اعدام جنایتکاران رخ داده است نیز برمی شمارد. جای شگفتی است که مقاله مورد بحث تایمز، برای نظریه وحشیانه ای که از آن بحمايت برخاسته است، هیچگونه دلیل یا مستمسکی که بشود بر مبنای آن درستی و یا

سودمند بودن بنای حکم اعدام را پذیرفت، ارایه نمیدهد. دشوار، اگر نگوییم غیرممکن، است که در جامعه ای که به تمدن بودن خود مباهات دارد، اصلی را مستقر کند که بر اساس آن، برحق بودن یا ثمربخش بودن حکم اعدام پذیرفته شود.



در اینجا مجازات بطور کلی بعنوان وسیله ای جهت اصلاح و انصراف بزهکاران مورد پشتیبانی قرار میگیرد. اما، چه کسی حق دارد مرا، بمنظور اصلاح و منصرف ساختن دیگران مجازات کند؟! از سوی دیگر تاریخ، آری در این مورد آمار و ارقام وجود دارد، بکاملترین وجهی از زمان قابیل به اینسو، ثابت کرده است که هیچگاه آدمیان در نتیجه مجازات نه اصلاح و نه منصرف شده اند، بلکه قضیه درست برعکس آن بوده است.

از نقطه نظر "حقوق مجرد" تنها یک تئوری وجود دارد که ارزش انسانی را در انتزاع باز می شناسد، و آنهم تئوری متعلق به کانت است؛ بویژه در فورمولبندی بسیار خشکی که هگل از آن ارائه میدهد، هگل بما میگوید: "مجازات حق یک جنایتکار است. این عملی است ناشی از اراده شخص خود او. جنایتکار با تجاوز به حق، آن حق را از آن خود اعلام میکند. جنایت او نفی حق است و در نتیجه اثبات حق که توسط خود جنایتکار برانگیخته شده، بواسطه خود او بر وی تحمیل شده است."

شکی نیست که در این فورمولبندی مطلب ویژه ای وجود دارد، باین معنی که هگل بجای اینکه جنایتکار را بعنوان یک "موضوع صرف" و برده عدالت در نظر نگیرد، او را تا حد یک موجود آزاد و خودمختار ارتقاء میدهد. در نگاهی دقیقتر در خواهیم یافت که ایدالیسم آلمانی در اینجا نیز چون سایر موارد، سعی بر این دارد، بقوانین جامعهء موجود حقانیت متعالی اعطا کند.

آیا در واقع این یک توهم نیست که این انتزاع "اراده آزاد" جایگزین فردی شود با انگیزه های واقعی، و وضعیتهای گوناگون اجتماعی که بر او سنگینی میکند؟ و یکی از کیفیتهای انسان جایگزین خود انسان شود؟ این نظریه که مجازات را نتیجه اراده خود جانی میبیند، در نهایت چیزی نیست مگر همان اصطلاح متافیزیکی (ماورا طبیعی) قدیمی (قانون قصاص)، چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان، بدون تشبیت بشرح و تفسیر بیشتر. مجازات چیزی نیست مگر وسیله ای برای جامعه جهت دفاع از خود در برابر تمامی آنچه هایی که شرایط موجودیت آنرا نقض میکند. حال خصلت آن هر چه می خواهد باشد.

این چه جامعه رقت انگیز است که وسیله ای برای دفاع از خود جز جلد نمی یابد و تازه بخود جرئت میدهد از طریق صدای "روزنامه مهم جهان" اعلام کند خشونت وی، یک قانون طبیعی است!

ام. آکتله در اثر بسیار عالمانه و ارزشمند خود: انسان و استعدادهايش میگوید: "ما بودجه قابل ملاحظه ای را به انتظام وحشتناکی به اداره زندانها؛ بازداشتگاهها؛ چوبه های دار ... اختصاص میدهیم. ما حتی میتوانیم پیش بینی کنیم که چه تعداد افراد دست خود را



## موج دوم کرونا،

### آرامش قبل از طوفان و خطر گرسنگی در جهان

جمال کمانگر

جهان معاصر ما، وارد هشتمین ماه پاندمی کرونا میشود. آمارهای تاکنونی دانشگاه "جان هاپکینز" که بر اساس دیتای رسمی کشورها گردآوری میشود، حاکی از آن است تا پنجشنبه ۳۰ ام ژوئیه ۲۰۲۰ بالغ بر ۱۷ میلیون نفر مبتلای ثبت شده و ۷۰۰ هزار نفر مرگ و میر و ۱۸۸ کشور جهان درگیر این بیماری همه گیر هستند. مردم جهان بی صبرانه چشم به آزمایشگاههای تحقیقاتی و تولید واکسن دوخته اند تا دانشمندان علوم پزشکی البته نه خدا، درمانی برای این کابوس قرن بیست و یکمی که روی سر بشریت در گشت و گذارست، پیدا کنند.

در این هشت ماه در روانشناسی مردم تغییرات زیادی بوجود آمده است. قرنطینه طولانی در اکثر کشورها و ترس از مبتلا شدن یا باعث ابتلای دیگران، انسان این موجود اجتماعی را به کنج انزوا سوق داده است. خرافات مذهبی در قفس شده اند و بی ابروتر از قبل شده اند. ارزش و احترام یک پرستار و دکتر و نظافتچی و کارگر مواد غذایی و حمل و نقل به مراتب بیشتر از پاپ و آیت الله و خاخام شده است. حس هم سرنوشتی و کمک، جای خودش را به فردگرایی منحط داده است. این یک زاویه مثبت و نوید بخش است که دنیای دیگری ممکن است.

طبق نظر کارشناسان حوزه بهداشت و درمان، موثرترین راه حل مقابله با بیماری کووید ۱۹ کماکان شستن دستها، ماسک زدن به صورت، رعایت فاصله اجتماعی دو متر در صورت امکان، لغو تجمعات بزرگ ورزشی، مذهبی و عزا و عروسی است. چشم اندازی برای واکسن تا نیمه اول سال آینده متصور نیست. هرچند تجارب کادر درمانی در مقابله با این بیماری به مراتب بیشتر شده است اما هنوز دارویی که جلو مرگ و میرناشی از ویروس کرونا را بگیرد کشف و تولید نشده است. داروی "رمدیسویر" هم فقط روی ۱۰۰۰ نفر آزمایش شده است که دوره بیماری را از ۱۵ روز به ۱۱ روز کاهش میدهد و دولت فاشسیت ترامپ تمام تولیدات کارخانه سازنده این دارو در یک سال آینده را پیش خرید کرده است!

اما در این گیر و دار صاحبان سرمایه هم بیکار ننشسته اند و دست به بیکارسازی وسیع و دهها میلیونی در سطح جهان زده اند. فقط در آمریکا بالغ بر ۴۲ میلیون نفر بیکار شده اند و رقم کل بیکاری بر اثر پاندمی حدود ۴۰۰ میلیون نفر بر آورد میشود.

موج دوم کرونا یا ادامه موج اول آرامش قبل از طوفان است و با خود خطر کمبود مواد غذایی و گرسنگی را به ارمغان خواهد آورد. قبل از شروع پاندمی کرونا ۱۳۵ میلیون نفر در جهان بر از نعمات و تولیدات نیاز شدید به مواد غذایی داشته اند و با ادامه پاندمی، طبق برآورد سازمان جهانی غذا بالغ بر ۲۶۵ میلیون نفر محتاج مواد غذایی و بدون کمک گرسنه سر بر بالین خواهند گذاشت! ادامه پاندمی کرونا زنجیره

تولید و توزیع مواد غذایی را از هم گسیخته است. فقط مردم پاکستان امسال با کمبود ۳.۵ میلیون تن گندم روبرو هستند. گندم غذای اصلی جمعیت بیش از دویست میلیونی آن کشور است. کشورهای که درگیر بحران سیاسی و جنگ داخلی و تحریم اقتصادی هستند وضعیت به مراتب بغرنج تری دارند.



خبر گزار رویترز روز پنجشنبه ۳۰ ام ژوئیه در گزارشی خطر کمبود و گرانی غذا و دارو در ایران را جدی اعلام کرده است. جهان چند قطبی امروز در مقابله با پاندمی کرونا نتوانست به یک سیاست مشترک و واحد برای کنترل این بیماری خطرناک دست باید. این باعث هرج و مرج و سردرگمی در مقابله با این بیماری شده است. من قبلا در مطالبی پیوسته تحت نام "پاندمی کرونا و دوراهی نظم نوین جهانی" مفصل علل این سردرگمی را توضیح داده ام که علاقه مندان میتوانند آنرا مطالعه کنند.

سیاست درست در این شرایط که جهان درگیر پاندمی کروناست و چشم انداز سریعی برای عبور از آن ندارد باید موارد زیر را در برگیرد:

- الف- لغو بی قید و شرط تمام تحریمهای اقتصادی در جهان به عنوان سلاح کشتار جمعی علیه مردم عادی.
- ب- تامین و تضمین امنیت شبکه مواد غذایی و دارویی در جهان و ممنوع اعلام کردن به گرو گرفتن آن توسط کشورهای متخاصم.
- ت- قابل دسترس کردن مواد غذایی مجانی و بهداشتی برای تمام نیازمندان در جهان.
- ث- پرداخت حقوق پایه و جهانشمول برای تمام آحاد جامعه.

\*\*\*

## کار را متوقف می کنیم!

### آینده از آن ماست، دستجمعی خودکشی نمی کنیم!

کار را تعطیل کنیم. خانه بمانیم و سر کار نرویم. ما کارگران و کارکنان اسیر فقر و فلاکت ایم، اما دستجمعی خودکشی نمی کنیم. وضعیت ویژه نیازمند اقدامات ویژه است. در اوضاع کنونی، سازمان کار جامعه باید حداقلی، اورژانسی و پاسخ به نیازهای ضروری باشد. ما کارگران مراکز تولیدی و کارکنان مراکز اداری و خدماتی، بدون تست مرتب و بدون برخورداری از نیازهای پزشکی حاضر نیستیم در محلهای کار حضور پیدا کنیم. دولت و کارفرمایان موظف به تامین نیازهای ضروری، پرداخت حقوق ها، تامین سلامت و بهداشت محیطهای کار کنیم. کار را متوقف می کنیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست



## مبارزه علیه زن ستیزی در منطقه در گرو مبارزه علیه ایدئولوژی و جنبش اسلامی است!

### آذر ماجدی

قتل هولناک یک زن جوان توسط دوست پسر سابقش در ترکیه به اعتراضات وسیع در ترکیه دامن زد. بمحض پخش خبر این قتل فجیع هزاران زن و اکتیویست در شهرهای استانبول، آنکارا، آنتالیا و از میر دست به تظاهرات زدند. تعداد قتل زنان و قتل های ناموسی در ترکیه بسیار افزایش یافته است. تاکنون در سال ۲۰۲۰ تعداد ۱۱۸ زن به قتل رسیده اند. رشد زن کشی ربط مستقیمی به تحکیم قدرت دولت اردوغان و ایدئولوژی اسلامی دارد. اسلام یک ایدئولوژی تا مغز استخوان زن ستیز است؛ اسلام زن کشی و قتل ناموسی را نه تنها توجیه، بلکه تشویق می کند. طی دو دهه اخیر که اسلامیت ها در قدرت سیاسی دست بالا یافته اند، زن ستیزی و زن آزاری در ترکیه افزایش چشمگیری یافته است. با زدودن کامل سکولاریسم و حاکمیت مطلق ایدئولوژی اسلامی حقوق ناچیزی که زنان در دوران حکومت سکولار از آن برخوردار بودند دارد بکلی رنگ می بازد.

در ایران نیز اخبار قتل های ناموسی هر روزه منتشر می شود. فقط در دو ماه اخیر چند قتل ناموسی مهیب توسط پدر و شوهر در گوشه و کنار کشور انجام گرفته است. علاوه بر قتل، ما شاهد خودکشی زنان و دختران جوان بعلت فشارهای فزاینده و خفقان آور خانواده هستیم. ایدئولوژی حاکم، مشحون از زن ستیزی، موجب گسترش این کشتار است.

مردسالاری و زن ستیزی یک رکن اصلی ایدئولوژی حاکم در ایران، ترکیه و سایر کشورهای منطقه است. اسلام یک وجه مشترک این کشورها است. در اوایل قرن بیست تلاش های مدرنیستی کولونیالیستی برای توسعه جوامع تحت سلطه درجه ای از فرهنگ سکولاریستی را در منطقه رشد داد و تا حدودی قدرت عنان گسیخته اسلام را به مصاف طلبید. با شکست این پروژه و بدنال تقویت و بسیج جنبش اسلامیتی توسط دولت های امپریالیستی در افغانستان و ایران جنبش اسلامی وسیعا رشد کرد و به جان مردم افتاد. به میزانی که جنبش اسلامی قدرتمندتر شد و ایدئولوژی اسلامی در کشورهای منطقه قدرت بلامنازع پیدا کرد موقعیت زنان وخیم تر، مردسالاری عمیق تر و زنان بیحقوق تر شدند.

برای مقابله با این شرایط، برای مبارزه با زن ستیزی ضروری است که به یک جنبش منطقه ای علیه اسلام و جنبش اسلامی دامن بزنیم. در ایران یک جنبش قوی آزادی زن وجود دارد. این جنبش از بدو قدرت گیری جمهوری اسلامی شکل گرفت و چهل سال است که علیه این رژیم و قوانینش می جنگد. جنبش آزادی زن یک رکن مهم جنبش سرنگونی طلب در ایران است. آوازه این جنبش در منطقه پیچیده است. جنبش حق زن در منطقه با تحسین و احترام به این جنبش می نگرند. باید بکوشیم تا این جنبش را در کل منطقه رشد دهیم.

بدنبال سرنگونی جمهوری اسلامی شرایط برای مقابله جدی و ریشه کن کننده جنبش اسلامی فراهم می شود. مبارزه با ایدئولوژی اسلامی و حاشیه ای کردن آن در جامعه، حاکمیت سکولاریسم و تبدیل مذهب به یک امر خصوصی ابزار مهمی برای مقابله با زن ستیزی است. سرنگونی جمهوری اسلامی منطقه را در شرایط بسیار مناسب تری برای تسویه حساب با این جنبش و ایدئولوژی قرار می دهد.

۳۰ ژوئیه ۲۰۲۰

## مجازات اعدام ...

بخون آیندگان آلوده خواهند کرد و چه تعداد جاعل مسموم کننده خواهند بود؛ تقریبا به همانگونه که میتوانیم تعداد زاد و ولد و مرگ و میر سالانه را پیش بینی کنیم.

ام.آکتله؛ در یک جدول احتمالات، منتشره در سال ۱۸۲۹؛ بادقت حیرت انگیزی؛ نه تنها انواع؛ که طبیعت و علت جنایات متعددی در فرانسه را برای سال ۱۸۳۰ پیش بینی کرد و اینرا که مقدار میانگینی از جنایات در میان بخش معینی از یک جامعه در کل نتیجه اوضاع و احوال جامعه بورژوازی معاصر است و نه آنقدرها حاصل نهادهای ویژه شناسی آن کشور را میتوان از جدول زیر؛ که توسط کتله برای سالهای (۱۸۲۲-۲۴) عرضه شده؛ مشاهده کرد

از تعداد ۱۰۰ جانی محکوم امریکا و فرانسه جدول زیر بدست می آید.

سن	فیلادلفیا	فرانسه
زیر ۲۱ سال	۱۹	۱۹
۲۱ تا ۳۰ سال	۴۴	۳۵
۳۰ تا ۴۰ سال	۲۳	۲۳
بالای ۴۰	۱۴	۲۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰

بنابراین، اگر جنایات با چنین درجه بالایی از نظمی چون نظم پدیده های مادی (فیزیکی)؛ چه در کمیت و چه در گوناگونی (رده بندی آن)، درج میدهند، چنانچه کتله اشاره میکند؛ "دشوار بتوان تضمین کرد که کدامیک از این علل (جهان مادی و نظام اجتماعی) تاثیر منظم تری دارند". آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظمی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقا اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش درباره جلا د سردهیم؛ همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟

**اعدام قتل عمد**

**دولتی است!**

## کنکور، کرونا و سلامت بخش جوان جامعه

سیوان کریمی



تحقیق مردم استفاده کرده اما با اذعان وابستگیان رژیم هیچگاه در این امر موفق نبوده است. با این وجود کماکان رژیم اسلامی از هر منفذی برای این امر بهره می گیرد. مکانهای ترویج این خرافات بهترین امر برای این کار است. وزارت بهداشت در یک تصمیمی خندا آور درخواست کرده که در دوران محرم هر خانه به یک هیئت مذهبی تبدیل شود. این

پیام برای مردمی است که اکثریت آنها دیگر وقعی به این خرافات نمی گذارند و حتی تحت حاکمیتی اسلامی زندگی مدرن و بدور از مذهب خود را پی می گیرند.

رژیم اسلامی در برابر حفظ جان شهروندان جامعه مسئول است. برگزاری کنکور سراسری - تا کنون آزمونهای مقطع دکتری و کارشناسی ارشد برگزار شده است- که میلیونها جوان در آن شرکت می کنند باید فورا و بدون تامل لغو شود. صحبت از جان میلیونها انسان است. انسانهایی که مستقیم در این آزمون شرکت می کنند و خانواده هایی که به واسطه فرزندانشان در معرض این بیماری قرار دارند. امکان جهل و خرافه را باید بست. باید نگذاشت که رژیم اسلامی از ابزارهایش برای گسترش این بیماری استفاده کند. خود داوطلبان برای حفظ سلامتی خود و خانواده هایشان باید از شرکت در این آزمون انصراف دهند. صحبت از پذیرش یا رد در این آزمون نیست. صحبت بر سر جان هزاران انسانی است که احتمالا بر اثر این ویروس جانشان و سلامتی شان در خطر می افتد. آمارها را نگاه کنید. بی کفایتی رژیم اسلامی را ببینید. صحبت های سران رژیم اسلامی را گوش کنید. سلامتی هر انسان باید در اولویت باشد. رژیم اسلامی از این کار سرباز می زند. مردم باید خود آگاه باشند و تصمیم درست را اتخاذ کنند.

جولای ۲۰۲۰

### اطلاعیه پایانی جلسه دفتر سیاسی حزب

#### کمونیست کارگری - حکمتیست ...

آخرین دستور جلسه دفتر سیاسی انتخابات بود. سیاوش دانشور با اکثریت آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد. سپس انتخابات اعضای هیئت اجرایی دفتر سیاسی برگزار شد. رفقا رحمان حسین زاده، صالح سرداری، پروین کابلی، آذر ماجدی و ناصر مرادی بعنوان اعضای هیئت اجرایی دفتر سیاسی انتخاب شدند. هیئت اجرایی در اولین جلسه خود رفیق ناصر مرادی را بعنوان دبیر اجرایی حزب انتخاب کرد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۶ مرداد ۱۳۹۹ - ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۰

سرانجام با وضعیت کرونایی در سراسر ایران و وضعیت قرمز بیشتر استانها و شهرها، سازمان سنجش تصمیم به برگزاری کنکور کرد. مساله ای که با توجه به شیوع دوباره کرونا، تصمیمی برای به خطر انداختن سلامت بخش بزرگی از جامعه است. این تصمیم در حالی گرفته شد که مدتی قبل دولت روحانی تصمیم به بازگشایی مکانهای مذهبی و برگزاری نماز جماعت در سراسر ایران گرفت.

#### کنکور و مافیای سرمایه داری

تصور یک زندگی نرمال و حالا با وضعیت اقتصادی موجود نزدیک به خط فقر برای هر جوان این جامعه مصیبت زده از کنکور و رسیدن به دانشگاه می گذرد. سالانه میلیونها نفر در سراسر ایران میلیاردها تومان هزینه می کنند تا بتوانند در این رقابت برنده باشند، قرعه یک دانشگاه به نامشان بخورد و رویای آینده ای آرمانی را پرورش دهند. وضعیت اسفناک جامعه امروز این است که مدارس و سیستم آموزشی در سطحی نیست که دانش آموزان را برای این رقابت آماده و در سطحی نزدیک به هم پرورش دهد و دانش آموزان هم برای رسیدن به این سطح در مراکز آموزشی کنکور ثبت نام می کنند. این رویه چندین ساله سیستم آموزشی است. این وضعیت زمانی چهره کریه تر خود را نشان می دهد که رژیم اسلامی تصمیم به برگزاری کنکور در این وضعیت قرمز جامعه بر اثر بیماری کرونا دارد. رژیم اسلامی و اقتصاد ورشکسته آن به هر دری می زند تا سود و سرمایه را حفظ کند و اینبار قرعه به نام جوانانی افتاده است که در بهترین حالت وارد دهه دوم و سوم از عمرشان شده است. برگزاری آزمون کنکور یعنی خطر ابتلا و شیوع بیشتر کرونا در جامعه و مسبب اصلی و اول آن بدون شک جمهوری اسلامی است. تضمین سود و میلیاردها سرمایه این موسسات که تعدادشان هم زیاد نیست و به تبع آن باریکه ای از جریان سرمایه در کالبد مرده اقتصاد رژیم، هدف برگزاری این آزمون است. این کنکور یعنی به خطر افتادن و در معرض این بیماری قرار گرفتن دهها میلیون انسان در این جامعه. جامعه ای که رژیم اسلامی تنها دست روی دست گذاشته و آمار قربانیان این بیماری را اعلام می کند.

#### خرافات مذهبی

روی دیگر این ضدیت با جامعه و بی مسئولیتی مفرط رژیم در دوران وضعیت قرمز شهرها و استانها به دلیل کرونا، باز شدن اماکن ترویج جهل و خرافه است. در طول این چهار سال رژیم اسلامی، ترویج خرافات مذهبی از رسانه گرفته تا مساجد و مکانهای مذهبی جایگاه اول را داشته است. در دوران کرونا این مراکز جهل و خرافه برای مدتی و به صورت دوره ای بسته شد. رژیم اسلامی از هر فرصتی برای

**یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!**

حزب برای تقویت حزب و بزرگتر شدن چه اقدامی باید در اولویت بگذارد، به دلیل سطحی از تاکیدات مختلف، در این جلسه نتیجه گیری قطعی نشد.

## اطلاعیه پایانی جلسه دفتر سیاسی حزب

### کمونیس‌ت کارگری - حکمتیست

آخرین دستور روز اول جلسه دفتر سیاسی، مبحث جنبش کارگری و مصافهای پیش رو بود که سیاوش دانشور معرف آن بود. در این بحث از جمله به جایگاه کنونی جنبش کارگری در سیاست ایران، موقعیت گرایش رادیکال کارگری و سنتهای مبارزاتی، سازماندهی جنبش مجمع عمومی، موانع موجود و سوالات مطرح در بسیاری از مراکز کارگری، تأثیر متقابل جنبش کارگری و جنبش توده ای و مکانیزم تبدیل رادیکالیسم کارگری به پرچم جنبش اعتراضی برای سرنگونی، سیاستهای و تاکتیکها و روش کاری که حزب باید متناسب با اوضاع پیش بگیرد و سیاستهایی که باید اجتناب کند، چشم اندازی که با گسترش بحران وجود دارد اشاره شد. رفقای دفتر سیاسی در این بحث از جمله پیرامون مسائل تاکتیکی، لازمه اتصال رادیکالیسم کارگری به استراتژی کمونیستی و بر ضرورت چفت بودن سیاست حزب با گرایش رادیکال و سوسیالیستی تاکید داشتند.

روزهای شنبه و یکشنبه ۱۸ و ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۰ برابر با ۲۸ و ۲۹ تیرماه ۱۳۹۹، جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با حضور اکثریت اعضای دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب برگزار شد. دستور جلسه مصوب دفتر سیاسی عبارت بود از:

۱- گزارش و ارزیابی ۲- اوضاع سیاسی ایران ۳- جنبش کارگری ایران، مصافها و مسائل عملی پیش رو ۴- ارزیابی از موقعیت حزب و مسئله تاکتیک ۵- پلنوم حزب ۶- خیزش توده ای آتی، موقعیت و نقش اردوی کارگری کمونیستی: کمونیستها در تندپنج سیاسی آتی ایران کجای کارند؟ ۷- انتخابات.

دستور اول روز دوم جلسه دفتر سیاسی در باره پلنوم، نشست کمیته مرکزی حزب بود. رفیق جمال کمانگر دبیر کمیته مرکزی حزب گزارشی از تصمیم قبلی در باره عدم برگزاری حضوری پلنوم، بدلیل پاندمی کرونا و وضعیت کنونی ارائه کرد. بدنبال همفکری و شنیدن پیشنهادها، دفتر سیاسی تصمیم گرفت پلنوم بصورت نته برگزار شود و تاریخ آن با هماهنگی دبیر کمیته مرکزی و هیات اجرایی حزب تعیین و ابلاغ شود.

در بحث گزارش و ارزیابی سیاوش دانشور به مسائل مطرح در سیاست ایران، دور جدید اعتصابات کارگری و مبارزات توده ای، اعتصاب هفت تپه و سوالات جنبش کارگری، وضعیت غیر قابل دوام و ملتهب جامعه و امکان قوی و سریع تلافی سیاسی، سوالاتی که جامعه حول آن قطبی میشود، صفتبندیها و اهداف جنبش های بورژوائی، آمادگی لازمی که برای دخالت فعال از ما بعنوان حزب و رهبری آن میطلبد، تامین نیازهایی که داریم، تقویت اتحاد حزب، همینطور به رئوس اقدامات تشکیلاتی و فوکوس سیاسی حزب در دو ماه گذشته اشاره کرد. رفقا رحمان حسین زاده، صالح سرداری، پروین کابلی دبیران کمیته های داخل، کردستان و خارج گزارش مشخص تر و تکمیلی به جلسه ارائه دادند. رفقای دفتر سیاسی نیز در بحث گزارش نظر و ارزیابی و ملاحظات خود را طرح کردند. جلسه عمدتاً ارزیابی مثبتی از سیاستها و اقدامات حزب داشت، به علاوه بر کمبودها و نارسایی ها هم تاکید شد. رفقای به ناکافی بودن حجم اقدامات و تلاشها برای رساندن حزب به رویدادها نقد داشتند. دفتر سیاسی متفقاً بر تلاش و تمرکز روی اقدامات موثر و کلیدی برای دخالت در اوضاع پیش رو تاکید داشت. همینطور دو مورد انتقاد سیاسی به نکاتی در یک اطلاعیه حزب و یک مطلب مندرج در نشریه کمونیست نیز طرح شد که حول آن بحث و اظهار نظر شد.

مبحث بعدی ارزیابی از موقعیت حزب و مسئله تاکتیک و نحوه کار ضروری در اوضاع کنونی بود. رفیق صالح سرداری این بحث را ارائه کرد. در این بحث از جمله در باره سیاست همکاری با احزاب و سازمانهای دیگر، صفتبندی سیاسی در منطقه، در دستور گذاشتن و پیشبرد پروژه های سیاسی، ضرورت یک بازبینی در مورد سیاستها و تاکتیکهای ما بویژه در سطح کردستان اشاره شد. دفتر سیاسی در این زمینه وارد بحث شد و علیرغم هر ملاحظه و انتقادی که وجود داشته است بر درست بودن سیاست همکاری با احزاب دیگر در چهارچوب سیاستهای مصوب حزب تاکید کرد و توافق داشت برای قوی کردن رادیکالیسم و کمونیسم در کردستان و تقابل با جریانات بورژوائی و ناسیونالیستی و مذهبی، کمیته کردستان حزب هرچه سریعتر پلانفرم همه جانبه و استراتژیک فعالیتش در کردستان را تهیه و برای اجرای آن اقدام کند.

دستور دیگر جلسه دفتر سیاسی، خیزش توده ای آتی، موقعیت و نقش اردوی کارگری کمونیستی: کمونیستها در تندپنج سیاسی آتی ایران کجای کارند؟ بود که توسط رفیق فاتح شیخ اراده شد. در این بحث از جمله به چگونگی قطبی شدن جامعه، لازمه قطبی شدن حول سرنگونی و آلترناتیو باهم، تاکید بر سازماندهی شورائی بعنوان ابزار مبارزه و قیام و ارگان حاکمیت، جهنگبری روی دویای رادیکالیسم کارگری و تحزب کمونیستی کارگری، احتمالات و اشکالی که به این روند کمک میکند، نادرست بودن و غیر عملی بودن برخی شعارها برای سراسری شدن مبارزات، شعارها و خواستهایی که کلیدی اند، اشاره داشت. در این بحث دفتر سیاسی روی مسائل عمومی اتفاق نظر داشت و رفقا در بحثها روی جنبه های عملی، مسائلی که جامعه حول آن قطبی میشود، از جمله مسئله فقر و سرنگونی تاکید داشتند.

دستور بعدی مبحث اوضاع سیاسی ایران بود که رفیق آذر ماجدی آنرا ارائه کرد. در این بحث به وضعیت ملتهب جامعه که تداوم روندی است که از دیماه نود و شش شروع شده است، تقابل صریح مردم با جمهوری اسلامی، تشدید بحران اقتصادی و فقر و فلاکت گسترده و روزافزون، تمهیدات جمهوری اسلامی برای رفع بحران و کسب موثلفی بین المللی برای مقابله با فشارهای آمریکا، خصلت شرایط کنونی و تقابلی که جامعه دارد، مسئله غامض بودن پروژه رژیم چینج و نخواستن جامعه، خطر تسلیم شدن مردم در شرایطی که در فقر و بیماری مستاصل شوند، نیاز مبرم به یک حزب سیاسی رادیکال و گسترده برای سرنگونی انقلابی و از پائین، تقویت کمونیسم کارگری متحزب در داخل کشور، نیاز به تحزب قوی برای دخالت موثر در سیاست، اقداماتی که میتوانند موثر باشند اشاره شد. دفتر سیاسی در این بحث توافق بالائی در مورد خطوط سیاسی داشت اما در مورد اینکه